



بفرمایید با دیوها آشنا شوید!

امیدوارم از دیدن این تصویرها و صورت‌های دوروبر صفحه، شب خواب بد نبینید. البته به نگین سفارش کردیم که خیلی هم لازم نیست تصویرها شبیه دیوهای واقعی باشد. دیو واقعی؟؟ مگر دیوها مال افسانه‌ها نبودند؟ هزارها سال پیش خیلی از مردم خیال می‌کردند دیوها واقعی هستند و در جاهای دور و تاریک مثل غارها یا چاه‌ها زندگی می‌کنند. ایرانی‌ها، یعنی پدرها و مادرهای اجداد ما هم باور داشتند دیوها واقعی هستند، اما در جاهای دور زندگی نمی‌کنند! آن‌ها مطمئن بودند دیوها خیلی هم نزدیک هستند. کجا؟ توی تاریکی دل آدم! وقتی فکر بدی می‌کنیم انگار دیو اندیشه‌ی بد جان می‌گیرد و واقعی می‌شود. (چیزی مثل همان تصویری که بالای صفحه است) وقتی بد اخلاقی می‌کنیم یا خودمان را بهتر از دیگران می‌دانیم، دیو تکبر و بد اخلاقی (همان که بغل دست اندیشه‌ی بد ایستاده) توی دلمان سر بلند می‌کند! آن‌ها باور داشتند تنبلی هم یک جور دیو بد جنس است که نمی‌گذارد انسان به کارهایش برسد. اسم آن یکی هم که دراز به دراز پایین صفحه خوابیده، دیو خواب‌آلودگی بوده که البته رفیق جان جانی تنبلی هم هست!

قیافه‌ی بقیه را خودتان تصور کنید: دیو خشم، دیو زیاده‌خواهی و طمع، دیو ستمکاری، دیو پیمان‌شکنی و... اما... اما... به نظر ایرانی‌های هزاران سال پیش دیو اصلی که از همه‌ی این دیوهای ترسناک، بدتر و بزرگ‌تر و خطرناک‌تر بود، (و هنوز هم هست) همان است که توی این صفحه هم هست و هم نیست! یعنی چه؟ این رنگ سیاه را می‌بینید؟ رنگی که باعث شده همه‌ی این دیوها دیده شوند؟ اگر این سیاهی نباشد همه‌ی این دیوها از بین می‌روند. دیو بزرگ، دیو دیوها، بدترین بلای دنیا، آن تاریکی ترسناکی که همه‌ی دیوها در آن زندگی می‌کنند، دیو دروغ است! بله! بله! دروغ.

فقط فکر کنید اگر این سیاهی نباشد، همه‌ی این دیوها نابود می‌شوند. چرا؟ چون دروغ باعث به وجود آمدن همه‌ی بدی‌ها و دیوهای دیگر است و ایرانی‌های هزارها سال پیش این را باور داشتند.

مرجان فولادوند

• تصویرگر: نگین حسین‌زاده

